



شنبه ۲۹ اردیبهشت ۱۴۰۳



شماره ۴۱۴۰



WWW.FDN.IR



FARHIKHTEGANDAILY

به بهانه سفر پوتین به چین؛ روسیه چطور با حمایت چین کمترین آسیب اقتصادی را در جنگ دید، چینی‌ها چطور با همراهی روسیه آمریکا را تحت فشار گذاشتند؟

عصر جدید شرق‌گرایی در اقتصاد و امنیت



سیدمهدی طالبی دبیرکروه جهان‌شهر

رابطه چین - روسیه با رابطه تاریخی آمریکا- انگلیس قابل مقایسه است؛ بازه‌هایی از دشمنی و دوستی‌های عمیق، از این رو هرگونه سفر و ارتباطات دوجانبه میان روس‌ها و چینی‌ها همانند روابط ممتاز واشنگتن - لندن به‌عنوان قدرت‌های ممتاز غربی، بر تحولات جهانی اثرگذار تلقی می‌شود. روزگذشته (جمعه) سفر دو روزه ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه به چین پایان یافت. این لحظه اما آغاز تحولات جدیدی است. رئیس‌جمهور روسیه پس از اعمال تغییرات قابل توجه در چپش مهره‌های عالی‌رتبه دولت، در نخستین سفر خود تنها دو روز پس از برعهده گرفتن پنجمین دور ریاست جمهوری، راهی چین شده بود. شرایط زمانی سفر از جهانی قابل توجه است. اوکراین نفس‌جنگیدن ندارد، روس‌ها بار دیگر به شرق این کشور لشکر کشیده‌اند و واشنگتن درصدد تزریق پول و سلاح به کی‌یف برای ادامه جنگ با مسکو است. پوتین نیز برای تأمین مایحتاج جنگی و مصرفی لازم برای ادامه مقاومت راه پکن را برگزید تا به واشنگتن و کی‌یف به‌طور توامان نشان دهد کاری از پیش نخواهد برد.

با این حال ابعاد سفر بزرگ‌تر از ارسال پیام‌های محدود به میدان جنگ است. پوتین در بخشی از مصاحبه خود با یک خبرنگاری چینی به‌منظور تشریح اهداف دیدارهای خود گفته بود: «سازمان همکاری شانگهای و گروه بریکس خود را به‌عنوان ارکان اصلی نظم جهانی چندقطبی درحال ظهور مطرح کرده‌اند.» اشاره رئیس‌جمهور روسیه به شانگهای و بریکس به این منظور صورت گرفت تا به غرب نشان دهد ابعاد همکاری‌های چین و روسیه تا چه میزان گسترده، دارای پایداری زمانی و همچنین‌جوه ضد غربی است. روس‌ها طی جنگ با ناتو در اوکراین درحال بهره بردن از روابط خود با چین هستند. در شرایطی که غرب بیش از ۱۵ هزار تحریم ضد روسیه وضع کرده، حجم روابط تجاری روسیه با چین به رکورد (۲۴۰۱ میلیارد دلار رسیده است. این میزان ۶۰ درصد بیشتر از حجم تجارت دو کشور پیش از جنگ است. روس‌ها از همین رابطه هزینه جنگ اوکراین را تأمین می‌کنند. بودجه نظامی روسیه با عبور از ۱۰۰ میلیارد دلار به سه برابر قبل از جنگ رسیده است. مبلغی که به‌طور مستقیم تاکنون صرف جنگ با اوکراین شده، ۱۶۷ میلیارد دلار تخمین زده می‌شود. اختصاص این مبالغ برای امور نظامی آن‌هم در حین تحریم بسیار دشوار است. پیش از جنگ روابط تجاری روسیه با اتحادیه اروپا و چین یکسان بود اما سهم قاره سبز پس از جنگ به کمتر از نصف سقوط کرده است.

داده‌های شرکت تحلیلی اوتواستات، نشان می‌دهد سهم خودروهای وارداتی چینی که در سال ۲۰۲۱ یک‌سال پیش از جنگ ۷ درصد بود، امروزه به نزدیک نیمی از این بازار رسیده است. با خروج شرکت‌های غربی، ۶ برزند از ۱۰ برند مشهور خودرو در روسیه مربوط به چینی‌هاست. روس‌ها تلاش دارند با اتکای اقتصادی به چین و ایجاد اطمینان از خط حمایت شرقی خود، کار اوکراین را یکسره کنند. با این وجود برخی سیاست‌های مسکو مانند اقدام در الحاق مناطقی از اوکراین به خاک خود تاکنون مورد پذیرش متحدان این کشور قرار نگرفته است. قدرت‌های شرقی از سرکوب ناتو در اوکراین توسط روسیه حمایت کرده و از کودتای سال ۲۰۱۴ انتقاد می‌کنند اما بیشتر از آن چیزی نمی‌خواهند.

ریشه‌های عمیق

آمریکایی‌ها به بهانه جنگ اوکراین تلاش کردند هم روسیه و هم متحدان شرقی‌اش را مجازات کنند. واشنگتن تلاش داشت با آغاز جنگ در اوکراین، غرب راودار به رویکردهای بسیار تهاجمی درخصوص شرق سازد. با این وجود روابط قدرت‌های شرقی از چنان ریشه‌های عمیقی برخوردارند که فشارهای شدید واشنگتن نه‌تنها نمی‌تواند خللی بزرگی در آن ایجاد کند بلکه خود مؤثر محرکه تعمیق ارتباطات است. آنطور که «جاس فریمن» دیپلمات کهنه‌کار آمریکایی و سفیر سابق آمریکا در عربستان درباره سفر اخیر ولادیمیر پوتین رئیس‌جمهور روسیه به چین، می‌گوید پکن و مسکو حالا رابطه عمیق و گرمی دارند و روابط اقتصادی آنها در درازمدت در بستر سیاست‌های خصمانه آمریکا ادامه خواهد یافت. در ادامه به مهم‌ترین نکات موجود در روابط چین و روسیه پرداخته شده است.

۱. در نظام تک‌قطبی روابط خارجی تمام کشورها هر یک به اندازه‌ای تحت اراده آمریکا قرار داشت. این اراده به قدری مؤثر بود که کشورهای دشمنان آمریکا برای برقراری روابط با یکدیگر نه‌تنها با موانع و تحریم‌ها مواجه می‌شدند بلکه اراده و مداخلات سیاسی واشنگتن در کیفیت روابط آنها اثر داشت؛ دشمنان آمریکا در این برهه از خشم این کشور برحذر بودند. امروزه اما همگرایی قدرت‌های شرقی با یکدیگر و روابط آنها با دیگر کشورهای جهان نشان دهنده کمربند شدن توانایی کنترلی آمریکااست. روی دیگر این تحول، عبور جهان از نظام تک‌قطبی است.

با این‌حال وضعیت پسانک‌قطبی‌ی‌رای آمریکا‌ی‌ها بدتر از نظام دوقطبی است. در نظام دوقطبی آمریکا به دلیل وجود کشورهای بلوک شرق و تا حدی غیرمتعدا قادر به اثرگذاری بر همگان نبود اما حداقل می‌توانست کنترل مؤثری بر اقمار و وابستگان خود اعمال کند. در حال حاضر اما متحدان آمریکا نیز خارج از اراده این کشور روابط خاصی با چین و حتی روسیه-آن

هم در حین جنگ اوکراین - برقرار کرده‌اند.

۲. اغلب رسانه‌ها، اندیشکده‌ها و مقامات غربی ادعا دارند قدرت‌های شرقی به دلیل تفاوت‌ها، اختلافات و بی‌اعتمادی قادر به ایجاد روابط عمیق با یکدیگر نیستند. از این رو تلاش برای همگرایی این کشورها عمدتاً سطحی، زودگذر و غیرمؤثر معرفی می‌شود. امروزه اما دیدار پوتین از چین در سال سوم جنگ نشان‌دهنده وجود بودن چنین ادعاهایی است. این دیدار صرفاً تلاشی نمودن برای خارج ساختن روسیه از انزوا نیست بلکه دلالت‌های محکمی در حوزه‌های نظامی و اقتصادی دارد.

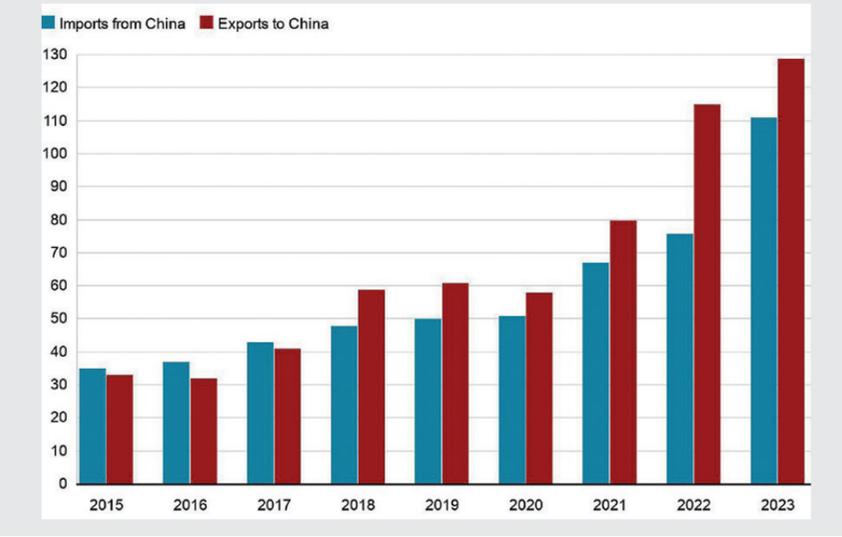
ادعاهای غرب درخصوص ناتوانی قدرت‌های شرقی در همگرایی در شرایطی تبلیغ می‌شود که این کشورها علی‌رغم تمام فشارها موفق شده‌اند طی دهه‌های اخیر دو سازمان شانگهای- با جغرافیای منطقه‌ای و رویکرد امنیتی- و بریکس- با جغرافیای جهانی و رویکرد اقتصادی و سیاسی- را پایه‌گذاری و توسعه دهند.

در سوی دیگر آنها در جدی‌ترین و خطرناک‌ترین پرونده‌ها ازجمله موضوعات تقابلی با غرب از یکدیگر به نحوی حمایت کرده‌اند. اگر این حمایت‌ها مخفیانه و غیرمستقیم هم بوده، در میدان بسیار مؤثر جلوه کرده‌اند.

۳. روسیه، چین و ایران به‌عنوان سه قدرت شرقی در مقام مخالف با غرب با وجود تحریم‌های اقتصادی و فشارهای همه‌جانبه سیاسی، رسانه‌ای و نظامی درحال دفاع جامع از منافع خود و همچنین به ثمر رساندن همگرایی



رشد تجارت روسیه با چین



قدرت‌های شرقی هستند. این مساله نشان می‌دهد جهانی که بیرون از غرب ساخته شده، به همان میزان قد‌ترمند است به‌گونه‌ای که بیرون از این جبهه می‌توان تمام نیازها را رفع کرد. تأمین نیازهای روسیه در حین جنگ اوکراین با وجود آنکه مسکو امروزه تحریم شده‌ترین کشور جهان است و همچنین وجود مزایای اقتصادی فراوان برای چین علی‌رغم تهدیدات اقتصادی غرب به دلیل همکاری با روسیه، بزرگی جبهه غیرغربی را نشان می‌دهد.

۴. چین مصرف‌کننده بزرگ‌ترین و پرسودترین بخش تولیدی و صادراتی روسیه، یعنی بخش انرژی است. در مقابل پکن می‌تواند طیف وسیعی از کالاهای مصرفی و زیرساختی روسیه را تأمین کند. اقتصاد این دو قدرت به لحاظ صادراتی و توانایی تأمین کمی کالاهای صادراتی مکمل یکدیگر است. از این رو گسستن زنجیره همکاری میان پکن و مسکو به شدت دشوار است. ۵. چین به چند شکل در حال کمک به ماشین‌جنگی روسیه است. نخست آنکه خرید انرژی از روسیه، هزینه‌های نظامی و جنگی‌ای را تأمین می‌کند. در سوی دیگر مسکو همچنان از درآمد‌های حاصل از صادرات سلاح و فناوری‌های نظامی به پکن بهره‌مند می‌شود.

شکل دوم حمایت‌های چین به فناوری مرتبط است. چین به دلیل ارتباط با غرب به فناوری‌های این مجموعه دسترسی دارد و در فضای اعمال محدودیت علیه روسیه، مسکو از پکن به‌عنوان پلی برای دسترسی به فناوری‌های غربی استفاده می‌کند. این فناوری‌ها برای توسعه صنایع نظامی

روسیه حیاتی هستند.

حوزه سوم فعالیت چین، تأمین مواد اولیه برای تولید سلاح در روسیه مانند ماشین‌آلات، مواد اولیه و قطعات است. پکن در مواردی مانند کلاه خود، پهپاد‌های تجاری قابل کاربرد در امور نظامی و جلیقه‌های ضدگلوله به شکل مستقیم نیازهای روسیه را تأمین می‌کند. چنین وسایلی کاربردی دوگانه دارند یا جزء ادوات نظامی غیرکشنده به شمار می‌روند.

۶. رئیس‌جمهور چین به‌تاکنی از تور اروپایی خود بازگشته که میزبانان او عمدتاً مواضعی علیه ناتو داشته‌اند؛ حتی فرانسه و مجارستان که عضو این سازمان هستند. امانوئل مکرون، رئیس‌جمهور فرانسه مدعی مرگ مغزی ناتو و خواهان تشکیل ارتش اروپایی است و همزمان از رابطه با چین برخلاف نظر آمریکا حمایت می‌کند. ویکتور اوربان، نخست‌وزیر مجارستان نیز با وجود عضویت در اتحادیه اروپا و ناتو خواهان اتمام جنگ در اوکراین با وضعیتی است که به نفع روسیه تمام می‌شود.

رئیس‌جمهور چین در جریان تور اروپایی خود در بیست و پنجمین سالگرد بمباران سفارت کشورش در بلگراد توسط ناتو در سال ۱۹۹۹، به صربستان سفر کرد که نشانه‌ای از رویکرد چین برای ایستادگی در برابر این سازمان نظامی است. دیدار با پوتین که درحال جنگ با ناتو است سیاست ضدناتویی پکن را به شکل برجسته‌ای نشان می‌دهد.

۷. پوتین درگفت‌وگویی با خبرنگاری شینخواه که روز چهارشنبه هفت گذشته یک روز پیش از سفرش به چین منتشر شد، گفته بود: «هدف رهبران [چین و روسیه] تعمیق همکاری در «صنعت و فناوری پیشرفته، فضا و استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای، هوش مصنوعی، انرژی‌های تجدیدپذیر و سایر بخش‌های نوآورانه» است.»

این سخنان نشان می‌دهد قدرت‌های شرقی نه‌تنها درحال دفاع از خود در برابر غرب هستند، بلکه در این مقام در حالت ضعف قرار نداشته و با توسعه برنامه فضایی، هسته‌ای و هوش مصنوعی درصدد بهبود توان رقابتی خود برای پیشی گرفتن از غرب هستند.

۸. یک‌ماه قبل، تاجر و الیگارش نزدیک به پوتین که دارایی‌هایش تا ۲۳۷ میلیارد دلار تخمین زده می‌شود، از تغییر سمت و سوی معاملات امپراتوری مس و نیکل خود به سمت چین خبر داد.

چین همزمان که با محدودیت مواجه می‌شود از مزایای انرژی ارزان، پرداخت هزینه واردات انرژی با کاللا، دسترسی به مواد اولیه و سرمایه‌های الگارش‌های روس بهره‌مند می‌شود.

۹. چینی‌ها روسیه را سپر خود می‌دانند که اگر رها شود، آنها نیز در نوبت بعدی گرفتاری خواهند بود. دیوار برلین در سال ۱۹۸۹ براساس توافق غرب با سران شوروی فروریخت تا روس‌ها تنش‌زدایی با دشمن خود را کالبد بزنند. بدون آنکه رهبران چین با چنین فرآیندی موافق باشند، موج انقلاب‌های غرب‌گرایانه که شرق اروپا را درنوردیده بود وارد این کشور شد. هرچند پکن درنهایت اعتراضات میدان تیان آن من را سرکوب کرد اما در یافت هرگونه عقب‌نشینی روسیه می‌تواند برای آنها هزینه‌های هنگفت داخلی داشته باشد.

۱۰. طبق نظر اندیشکده‌ها و مقامات آمریکایی سه بازیگر برتر آینده جهان آمریکا، چین و روسیه خواهند بود. از این بین کشوری که قادر به همتایی با آمریکا در تمام حوزه‌های اقتصادی، نظامی و سیاسی به حساب می‌آید، چین است. روسیه هرچند به لحاظ نظامی قدرتمند بوده و از نظر سیاسی حرف‌هایی برای گفتن دارد اما در اقتصاد وضعیت مشابهی ندارد. اقتصاد چین تقریباً برابر با آمریکا و شش برابر اقتصاد روسیه است. به لحاظ ابعاد و تجهیزات به‌ویژه بخش مهم دریایی، قوای چین بزرگ‌تر از روسیه است. به نظر می‌رسد چین برای مقاومت در برابر فشارهای آمریکا تا پیش از رسیدن پکن به جایگاه تثبیت‌شده برابر با واشنگتن قصد دارد از کمک‌های مسکو بهره‌مند شود. روس‌ها نیز چین را به‌عنوان پوشش دهنده ضعف اقتصادی خود برگزیده‌اند تا قادر به اعمال قدرت نظامی خود علیه آمریکا و باقی ماندن در رقابت‌های سطح بالای جهانی باشند.

۱۱. روسیه به شدت نگران و مراقب روابط خود با چین است. به گزارش رسانه

آمریکایی پولیتیکو و همچنین رسانه‌هایی در آسیا، پوتین پس از آگاهی از تصمیم چین برای میانجیگری در جنگ اوکراین نگران شده و آن را اقدامی از سوی اردوگاه طرفدار غرب و آمریکا در وزارت خارجه چین تلقی کرد. بنا بر گزارش‌ها، پوتین تصمیم گرفت شش را در مورد یک تحول نگران‌کننده در حلقه داخلی خود باخبر کند. رئیس‌جمهور روسیه یک مقام مورد اعتماد خود را اعزام کرد تا به‌طور مستقیم به رئیس‌جمهور چین اطلاع دهد و وزیر امور خارجه جدید او اسراری را به آمریکا انتقال داده است. این اقدام درنهایت به اخراج وزیر خارجه پیشین چین مدت کوتاهی پس از انتقاصب انجامید و پس از آن موجی از پاکسازی‌ها آغاز شد.

۱۲. دیدار با پوتین بلافاصله پس از بازگشت از پایتخت‌های اروپایی مانند پاریس به آمریکا گوشزد می‌کند این کشور نتوانسته تنظیم و قدرت چین در تداوم رابطه با کشورهای غربی را به شکل مؤثری تضعیف کند.

۱۳. گایوف، یک تحلیلگر مسائل روسیه که در موسسه کارنگی مشغول است می‌گوید روس‌ها ساده‌لوح نیستند و می‌دانند روابط با غرب برای چین بسیار ضروری است و پکن غرب را رها نمی‌کند. به نظر می‌رسد سیاستگذاران چینی از رابطه با روسیه به‌عنوان یک ابزار برای تضعیف نظم جهانی به رهبری آمریکا استفاده می‌کنند. این استفاده غیرمستقیم می‌تواند رهبری نظم جهانی را از دستان آمریکا بیرون بیاورد؛ بدون آنکه به اساس این نظم خللی وارد آورد. هدف چین نه براندازی بلکه جایگزینی خود با آمریکا در این نظم است.

سلاح‌های تعلیق‌شده به دست تل‌آویو رسیدند

نخستین محموله سلاح‌های تعلیق‌شده آمریکایی که دولت خود بایدن، رئیس‌جمهور آمریکا ادعا می‌کرد مانع از ارسال آن به رژیم صهیونیستی شده، وارد سرزمین‌های اشغالی شد. به گزارش کانال ۱۱ تلویزیون رژیم صهیونیستی محموله وارد شده بخشی از بسته کمک‌های نظامی واشنگتن برای تل‌آویو است که به‌طور شفاهی اعلام شده بود ارسال آنها تعلیق شده است. با وجود آنکه دولت بایدن از ۱۷ اکتبر تاکنون حمایت‌های همه‌جانبه‌ای از رژیم صهیونیستی داشته اما همزمان برای جلوگیری از انتقادهای بین‌المللی و داخلی، طرح برخی از انتقادهای لفظی از این رژیم را در دستور کار قرار داده است. تحلیلگران راهبرد دوجوهی دولت بایدن را بخشی از تلاش‌های کاخ سفید برای مدیریت فشار افکار عمومی می‌دانند. با توجه به اعتراضات گسترده‌ای که از جانب افکار عمومی مردم آمریکا متوجه سیاست‌های یکجانبه دولت برای حمایت از رژیم صهیونیستی شده، هفته گذشته جو بایدن مدعی شد که در اعتراض به اقدام ارتش تل‌آویو برای آغاز عملیات در رفح، ارسال برخی از بسته‌های کمک تسلیحاتی خود به این رژیم را متوقف کرده است. الجزیره در گزارشی نوشته است اقدام دولت آمریکا در تعلیق یا کند کردن روند ارسال برخی از محموله‌های تسلیحاتی به رژیم، دومین اقدام از نوع خود در تاریخ روابط دو طرف به شمار می‌رود، به‌طوری‌که رونالد ریگان، رئیس‌جمهور وقت آمریکا در سال ۱۹۸۲ میلادی پس از تحقیقات کنگره درخصوص استفاده نیروهای صهیونیست از بمب‌های خوشه‌ای در مناطق مسکونی در جریان جنگ با لبنان، ممنوعیت موقتی برای ارسال جنگنده‌ها به تل‌آویو را اعمال و فروش بمب‌های خوشه‌ای را برای ۶ سال ممنع کرد. این اقدام آمریکا پس از یک سلسله هشدارهای طولانی صورت می‌گیرد که دولت بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر رژیم به آنها بی‌توجه بوده است. محموله مزبور بخشی از کمک‌هایی است که شامل ۱۸۰۰ بمب ۲۰۰۰ پوندی (۹۰۷ کیلوگرم) و ۱۷۰۰ بمب ۵۰۰ پوندی (حدود ۲۲۶ کیلوگرم) می‌شود.

قلمرو فرانسه در اقیانوس آرام شورش کرد

پیشنهاد تغییر در انتخابات توسط دولت امانوئل مکرون، رئیس‌جمهور فرانسه آخرین نقطه عطف تنش‌های طولانی مدت بر سر حاکمیت فرانسه بر جزیره کالدونیای جدید در اقیانوس آرام است. این منطقه در شرق استرالیا قرار دارد. به گزارش اسکای نیوز، نیروهای کمکی پلیس به‌عنوان بخشی از سرکوب امنیتی بزرگ پس از چند روز شورش وارد قلمرو فرانسه در اقیانوس آرام، در کالدونیای جدید شدند. پس از اعمال وضعیت اضطراری در فرانسه برای مقابله با ناآرامی‌ها، پلیس امنیتی فرانسه وارد عمل شد. به گفته لپییس لوفران، کمیسر عالی فرانسه درحالی‌که اوضاع اکنون آرام است، درگیری‌ها در نونما پایتخت ادامه دارد. گابریل آتال، نخست‌وزیر فرانسه پس از نشستی که در کاخ الیزه در پاریس داشت، اعلام کرد اقداماتی برای بازگرداندن آرامش به کالدونیای انجام خواهد شد. مشکل اصلی کالدونیایی‌نگرانی رهبران آنها از قانون انتخاباتی جدید، کمربند شدن تأثیر نقش بومیان در این منطقه است. براساس قانون تصویب شده هر فرانسوی که حدود ۱۰ سال ساکن کالدونیای باشد، حق رای و شرکت در انتخابات را دارد. مردم این منطقه نیز خواهان عدم دخالت دولت فرانسه در قانون اساسی شان هستند. این اعتراضات اولین موج مقابله با دخالت‌های فرانسه در دولت‌ها نبوده است. بسیاری از کشورهای آفریقایی که پیشتر جزء مستعمرات فرانسه حساب می‌شدند و قریب به ۶۰ سال است که به استقلال رسیده‌اند، هنوز هم از حضور نظامی نیروهای فرانسوی در کشورشان ناراضی بوده و اقداماتی در جهت اخراج هرچه سریع‌تر آنان از کشور صورت می‌دهند. یکی از این کشورها سنگال است. خبرنگاری رویترز گزارشاتی را مبنی بر اعتراض نخست‌وزیر سنگال از حضور نظامی فرانسوی‌ها منتشر کرده است. «عثمان سونگو» نخست‌وزیر این کشور در کنفرانس خبری مشترکی با حضور «ژان لوک ملنشون» سیاستمدار چپ‌گرای فرانسوی نسبت به حضور نیروهای نظامی فرانسوی در کشورش ابراز نگرانی کرده و خواستار خروج آنها شده است. پیش از این کشورهایی مانند مالی، بوركینافاسو و نیجر دست به اخراج نظامیان فرانسوی زده‌اند. پاریس طی سال‌های اخیر با شورش و تضعیف توانایی‌هایش در مناطق تحت نفوذ خود روبه‌رو شده است.